



سیاسی شدن هویت‌های قومی و مذهبی از منظر مبانی نظری ثبات سیاسی در مصر بعد از بهار عربی (۲۰۱۱-۲۰۲۲)*



یلدا بهرامپور** - دکتر ابوالقاسم طاهری*** - دکتر مجتبی مقصودی****

This is an open access article under the CC BY license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

یکی از مهم‌ترین مباحث و موضوعات در جامعه‌شناسی جدید، «سیاست هویتی» است. سیاست هویتی در اشاره به سیاسی شدن هویت‌های قومی، فرهنگی، زبانی، مذهبی و فعالیت و مشارکت سیاسی گروه‌های قومی-مذهبی برای پیگیری خواسته‌ها، حقوق شهروندی و تعیین سرنوشت خود به کار می‌رود. در چند دهه‌ی اخیر خاورمیانه به مهم‌ترین منطقه‌ی کانونی تروریسم و خشونت‌های قومی-مذهبی بدل شده است. با شروع دومینوی ناآرامی در سرزمین‌های عربی در سال ۲۰۱۱، مصر از اولین دولت‌های عرب بود که به‌عنوان خاستگاه و نقطه‌ی آغاز این طغیان‌ها دستخوش تحولات سیاسی و اجتماعی شد. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی محقق از مبانی نظری «ثبات سیاسی» استفاده نموده است تا به مهم‌ترین علل سیاسی شدن هویت‌های قومی و مذهبی در مصر بعد از بهار عربی پاسخ دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد علل سیاسی شدن هویت‌های قومی و مذهبی ارتباط مستقیمی با مبانی نظری «ثبات سیاسی» در این کشور آفریقایی دارد. کشور مصر با برخوردار بودن از جامعه‌ی مدنی نسبتاً قوی توانست مرحله‌ی گذار را طی کند و پس از انقلاب در شاخص‌هایی چون ثبات سیاسی، تعدد احزاب، نرخ بیکاری، نرخ تورم، نرخ فقر و دسترسی به اینترنت پیشرفت داشته باشد. اما علی‌رغم این پیشرفت‌ها، نبود اجماع در تبیین هویت ملی، خلل در انتقال با ثبات قدرت و گستره عمیق و وسیع فعالیت ارتش به‌عنوان موانعی برای ثبات سیاسی موفق در مصر هنوز مشهود است.

کلیدواژگان

سیاسی شدن، ثبات سیاسی هویت، مصر، بهار عربی.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری علوم سیاسی یلدا بهرامپور با راهنمایی دکتر ابوالقاسم طاهری است.

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

*** استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تهران، ایران. / نویسنده مسئول / ایمیل: a-taheri@srbiau.ac.ir

**** دانشیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

مذهب‌گرایی و قوم‌گرایی به‌ویژه در وجه ابزاری و سیاسی‌شده‌ی آن از مهم‌ترین دل‌مشغولی‌ها و موضوعاتی هستند که ذهن اندیشمندان علوم اجتماعی را به خود معطوف کرده‌اند. هرگاه عناصر قومی و مذهبی مبنایی برای مطالبات سیاسی شوند، سیاسی‌شدن قومیت و مذهب پدیدار می‌شود. بر مبنای این نظریه اگر در جامعه فرصت دسترسی به منابع قدرت برای قومیتی و گروه مذهبی کم شده باشد ممکن است در عکس‌العمل به این وضعیت سراغ هویت‌طلبی بروند و باعث شوند منابع قدرت بین گروه‌ها و اجتماعات مختلف جامعه به شکل نامتساوی توزیع شوند. در عصر کنونی عواملی همچون انقلاب ارتباطات و اطلاعات، جهانی‌شدن، گسترش آگاهی‌های سیاسی، ظهور نسل جدید رهبران و گسترش جنبش‌های اجتماعی هویت‌بنیاد منجر به تشدید سیاسی‌شدن هویت‌ها و تروریسم قومی و مذهبی در جهان شده‌اند در این مقطع جریان اقلیت‌گرای مذهبی و قومی از طریق تشکیل سازمان‌ها، احزاب سیاسی-مذهبی و تشکل‌های پنهان و آشکار به صورت کاملاً سازمان‌یافته و تشکیلاتی بر علیه حاکمیت اقدام می‌کند که مقصود آن نفی یا نقض نظام حاکم و استقرار نظامی بدیل است و خشونت‌های اجتماعی مانند شورش و اغتشاشات نیز به صورت ساماندهی شده و با بهانه‌های گوناگون به وقوع خواهد پیوست.

با شروع دومینوی ناآرامی در سرزمین‌های عربی در سال ۲۰۱۱، مصر از اولین دولت‌های عرب بود که به‌عنوان خاستگاه و نقطه‌ی آغاز این طغیان‌ها دستخوش تحولات سیاسی و اجتماعی شد و شاخص‌هایی چون فرآیند دولت-ملت‌سازی، مسائل سیاسی از قبیل فضای باز یا بسته سیاسی، میزان فعالیت و آزادی احزاب، دامنه فعالیت ارتش، مسائل اقتصادی از قبیل بیکاری، نرخ تورم، میزان فقر و فساد و مسائل اجتماعی و فرهنگی از قبیل میزان گستردگی جامعه مدنی و توسعه‌ی فناوری‌ها در بروز سیاسی‌شدن هویت‌ها و روند تکامل ناآرامی‌ها در این کشور تأثیر گذار بودند. پرسش تحقیق این است که مهم‌ترین دلایل و عوامل جامعه‌شناختی و داخلی تأثیر گذار بر تشدید سیاسی‌شدن هویت‌های قومی و مذهبی در مصر بعد از بهار عربی کدامند؟ این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد نظری جامعه‌شناختی تاریخی-سیاسی انجام شده است و هدف تحقیق این است که با توجه به اینکه کشور مصر از بازیگران مهم و تأثیرگذار در منطقه هستند که در بهار عربی نیز دستخوش بیشترین تغییرات در شیوه‌ی حکومت شد. بررسی این دولت می‌تواند الگوی مناسبی برای سایر دولت‌هایی باشد که از تنوعات قومی و مذهبی برخوردارند و انقلاب‌های عربی فرصتی بی‌سابقه برای اصلاحات سیاسی در آنها به وجود آورده که در صورت بهره‌وری درست و به موقع نخبگان سیاسی، می‌تواند مسیر آینده را کاملاً تغییر دهد فرضیه تحقیق نشان می‌دهد کشور مصر با برخورداری از جامعه‌ی مدنی نسبتاً قوی توانست مرحله‌ی گذار را طی کند و پس از انقلاب در شاخص‌هایی چون ثبات سیاسی، تعدد احزاب، نرخ بیکاری، نرخ تورم، نرخ فقر و دسترسی به اینترنت پیشرفت داشته‌باشد. اما علی‌رغم این پیشرفت‌ها، به دلیل وجود موانعی نظیر نبود اجماع در تبیین هویت ملی، خلل در انتقال باثبات قدرت و نیز گستره عمیق و وسیع فعالیت ارتش در مقابل نهادهای دموکراتیک، نه ملت و نه دولت با ویژگی‌هایی که در ایجاد پروسه دولت-ملت‌سازی موفق در مصر امروز نقش داشته باشند وجود ندارد.

۱- پیشینه پژوهش

علی مختاری و همکاران در مقاله‌ی «تاملی در شکنندگی و تداوم دولت در مصر از ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۰ میلادی»، اشاره دارد که دولت مصر بعد از ۲۰۱۱ شکننده ظاهر شد اما نظامیان توانستند دولت با ثباتی ایجاد کنند. این پژوهش تلاش کرده با تلفیق دو نظریه نهادگرایی و فرهنگی به این مهم پردازد چرا دولت در دوره مبارک و مرسی شکننده، اما در دوره نظامیان با ثبات ظاهر شد؟ نتیجه پژوهش نشان می‌دهد تجربه مدرنیزاسیون و آزادسازی اقتصادی به ظهور و توسعه نیروهای سیاسی و اجتماعی انجامید. اما ناکارآمدی دولت در حوزه اقتصادی به همراه برخوردهای سرکوبگرانه دولت نسبت به نهادهای مدنی سبب شکل‌گیری جامعه پراتوری شد. ارتش توانست با استفاده از این فرصت‌ها رضایت غالب نیروهای سیاسی را جلب و در قالب یک «دولت کارآمد» اقتدار نوینی را شکل دهد که در این مقاله فقط به مساله دولت‌سازی پرداخته شده است.

امام‌جمعه‌زاده و حشمتی (۱۳۹۳)، در مقاله‌ی «دولت-ملت ناکام در مصر»، با بررسی شاخص همبستگی و یکپارچگی ملی در سه موضوع هویت ملی، شهروندی و ناسیونالیسم مشخص می‌کنند که در مصر امروز به جای یک هویت ملی فراگیر، با هویت‌های چندگانه‌ی اسلامی، غربی و ملی روبه‌رو هستیم که در کارزار و خلاء قدرت و سیاست، هر کدام به دنبال استقرار هویت خود به عنوان هویت ملی و فائقه در این کشور هستند. آنها در بررسی موضوع شهروندی به وضعیت نامیمونی اشاره می‌کنند که امکان طی طریق صحیح و موفق دولت-ملت‌سازی را سلب می‌کند. از نظر آنان، کارویژه‌ی ناسیونالیسم هم همچنان در بسیج مردم برای رفع بحران داخلی ناموفق بوده است.

باربارا زولنر (۲۰۱۶)، در مقاله‌ی «دگرگونی جنبش‌های اجتماعی به احزاب سیاسی در طی مراحل گذار دموکراتیک مقایسه جنبش‌ها و احزاب مصری و تونس» با تمرکز بر تحولات مصر و تونس پس از بهار عربی، احزاب سیاسی تازه تأسیس شده ریشه‌دار در جنبش‌های اجتماعی، از جمله اسلام‌گرایان و طیف سکولار، را مورد مطالعه قرار می‌دهد. این مقاله استدلال می‌کند که تشکیل مرزهای رسمی در واقع برای موفقیت فرایند گذار دموکراتیک ضروری است. شکست گذار دموکراتیک در مصر در ژوئیه ۲۰۱۳، که جنبش‌های دموکراتیک طرفدار و احزاب سیاسی جدید در آن مشارکت داشتند، این حقیقت را نشان می‌دهد. مورد تونس دگرذیسی جامع‌تری از جنبش‌ها را در احزاب سیاسی نشان می‌دهد، بنابراین فرایند انتقال نسبتاً ساختارمندی را ممکن ساخته است.

خوزه و دیگران (۲۰۱۶)، در مقاله‌ی «تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای قدرت نرم در منطقه منا: تأثیر هویت قومی، فرقه‌ای و مذهبی بر قدرت نرم در عراق و مصر» به بررسی رابطه بین هویت‌های قومی، فرقه‌ای و مذهبی و قدرت نرم در منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا (منا) پس از قیام‌های عربی می‌پردازند. با استفاده از نظرسنجی‌های اولیه‌ی افکار عمومی که در سال ۲۰۱۲ در مصر و عراق انجام شد، مشخص شد که وفاداری‌های مبتنی بر هویت نقش مهمی در انتخاب گروه‌ها، ایفا می‌کند. بر این اساس به نظر می‌رسد اهل سنت از ترکیه و عربستان و شیعیان بیشتر از ایران حمایت می‌کنند.

نتایج این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که نباید از این مسئله غافل شد که کردهای سنی کمتر احتمال دارد که نگرش مثبتی نسبت به ترکیه و عربستان داشته باشند. یافته‌های آنان نشان می‌دهد که قبطی‌ها، یک اقلیت مذهبی در مصر، نگرش‌های مثبتی نسبت به ایالات متحده و نگرش‌های منفی نسبت به عربستان سعودی و ایران دارند.

حسن (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای با عنوان «جامعه مدنی در مصر تحت رژیم مبارک»، به بررسی وضعیت جامعه مدنی در جامعه‌ی مصر پیش از انقلاب ۲۰۱۱ پرداخته و نتیجه گرفته است که تأثیر و نفوذ گروه‌های اسلام‌گرا به ویژه اخوان المسلمین در مصر پیش از دوره‌ی گذار به حدی بود که دولت آن کشور را واداشته بود تا از هرگونه فعالیت احزاب و نهادهای مدنی اسلامی در این کشور جلوگیری نماید و اصلی‌ترین دلیل این محدودیت‌ها این بود که دولت دریافته بود اسلام‌گرایان به دلیل قدرت و تأثیر بالای خود بر جامعه‌ی مصر و بانفوذ در سازمان‌های مدنی این کشور قادرند مردم را تحت لوای دین بر ضد دولت بسیج کنند.

همان‌گونه که مشخص است هریک از آثار مورد بررسی سعی در بیان بخشی از دلایل بروز بی‌ثباتی در کشور مصر دارند و نگاهی تک‌محوره داشته‌اند و هویت قومی یا مذهبی را به صورت یک شاخص کلی و تک‌بعدی در نظر گرفته‌اند. درحالی‌که هویت قومی و مذهبی دارای ابعاد گوناگونی است و وزن و اهمیت هریک از این ابعاد با هم متفاوت است. همچنین میزان خودآگاهی قومی و مذهبی، شدت احساس تبعیض و احساس محرومیت و... در اقوام و مذاهب مختلف متغیر است؛ بنابراین نمی‌توان همه اقوام و مذاهب را با یک نگاه کلی و واحد مورد بررسی قرار داد. نوآوری این پژوهش در این است که می‌کوشد در قالب مبانی نظری ثبات سیاسی و سه شاخص اقتصادی (بیکاری، تورم، فقر و فساد)، سیاسی (فضای بسته‌ی سیاسی، نقش ارتش و نیروهای مسلح، وضعیت احزاب، ثبات و عدم ثبات سیاسی) و اجتماعی (نقش رسانه‌ها و فناوری‌های ارتباطی، جامعه‌ی مدنی قوام‌یافته و متکثر و نقش سندیکاها و انجمن‌های مردم‌نهاد)، به چگونگی سیاسی شدن‌های هویت‌های قومی و مذهبی در مصر بپردازد.

۲- مبانی نظری: ثبات سیاسی

یکی از مولفه‌های مهم حکمرانی خوب، ثبات سیاسی-اجتماعی است که هم همراه با سلامت بالا در جامعه (نماد توسعه انسانی) و هم فراهم کننده محیطی مناسب برای پیشرفت اقتصادی است. بی‌شک کشوری که از ثبات سیاسی زیادی برخوردار است در پیشرفت اقتصادی موفق‌تر عمل می‌کند. همان‌گونه که متغیرهایی چون تورم، بیکاری و فقر رابطه‌ی معکوس با ثبات سیاسی دارند. اهمیت ثبات سیاسی در این مقاله در پیوند عناصر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نشان داده می‌شود. زیرا بارزترین عنصر مهم در زندگی اقتصاد است. دوم سیاست می‌تواند وسیله‌ای برای حفظ نظم اجتماعی و تحقق آزادی و دموکراسی به صورت مثبت باشد و ابزاری برای سيطرة گروهی کوچک بر کل جامعه به صورت منفی باشد. پیوند نهادهای سیاسی (مانند دموکراسی، آزادی قلم و بیان، آزادی اعتصاب و اعتراض، حق تشکیل احزاب و...) با سیاست‌های اقتصادی و تأثیر آن نهادها بر

این سیاست‌ها از دیگر ارتباطات معنی دار سیاست و اقتصاد می باشد. همچنین فرهنگ و فضای سیاسی تاثیر قابل توجهی بر خط مشی های اقتصادی دولت ها خواهد داشت که دادگر، و پرزیلا و لمبرت،^۱ بر آن تأکید دارند.

۳- تاریخچه ثبات سیاسی مصر

با تحول نقش دولت در اقتصاد در دهه ۱۹۹۰ بحث دولت خوب مطرح شد. داگلاس نورث (۱۹۹۱) دولت خوب را حمایت کننده پیشرفت و پایداری اقتصادی می داند. بانک جهانی نقش دولت در جهان در حال تحول را به مفهوم حکمرانی خوب مربوط کرده که عاملی برای پایداری و ثبات به شمار می رود. در واقع یکی از اقدامات دولت خوب ایجاد ثبات سیاسی و پایداری اقتصادی است. ثبات سیاسی منجر به بهبود عملکرد اقتصادی و بهبود رفاه گردیده و آنها منجر به کاهش تنش های اجتماعی و ایجاد فرصت های برابر می شوند (لارسون، ۲۰۱۹؛ و جراس، ۲۰۲۰).

از دهه ۱۹۹۰ ثبات سیاسی با مطالعات حکمرانی و اقتصاد سیاسی در ارتباط است. که این موضوع خود حاکی از ارتباط مقابل اقتصاد و علوم سیاسی می باشد که در رویکرد سنتی (ارتدوکس و نئوکلاسیک) جدا تصور می شد. این در حالی است که از منظر پدران علم اقتصاد چون آدام اسمیت، اقتصاد سیاسی شاخه ای از دانش رهبری سیاسی است. هم چنین جان استوارت میل می گوید اقتصاد سیاسی علمی است که به یک ملت چگونه ثروتمند شدن می آموزد. اما از نگاه اقتصاد دانان رویکرد ارتدوکس سنتی، اقتصاد سیاسی تنها بر فردگرایی روش شناختی استوار است که تحلیل اقتصادی را مستقل از سایر علوم اجتماعی و نهادی پیش می برد (اریکسون، ۲۰۱۱). تا پایان قرن بیستم از نگاه رویکرد سنتی اقتصاد سیاسی فرد محور به حساب می آمد ولی اقتصاد سیاسی برای رویکردهای رقیب آن به معنی کاربرد یک نظریه اقتصادی برای رفتار اقتصادی-اجتماعی بود

همچنین نهاد دولت در خاورمیانه به طور عام و در کشورهای عربی به طور خاص فاقد تمامی شاخص های دولت بودگی می باشد. به طوریکه دولت های منطقه حداقل در طول چند دهه گذشته دستخوش تنش و درگیری با جریان های فرو و فراملی بوده اند. بنابر شاخص شکنندگی دولت ها FSI که بر حسب مولفه های متعدد نظیر فشارهای جمعیتی، میزان آوارگان و افراد بی خانمان داخلی، مشروعیت دولت، خدمات عمومی، توجه به حقوق بشر، قدرت دستگاه های امنیتی، توسعه نابرابر، فقر و انحطاط اقتصادی و... تعیین می شود. به استثنا چهار دولت قطر، امارات متحده عربی و در جایگاه پایین تر عمان و کویت الباقی دول منطقه از نظر سطح برخورداری از معیارهای فوق در وضعیت نامطلوبی قرار دارند. (Fund for Peace, 2016).

به عبارت دیگر اکثریت کشورها در خاورمیانه دارای سطحی از شکنندگی دولت ها هستند که

¹. Priscilla & Lambert

². Larson

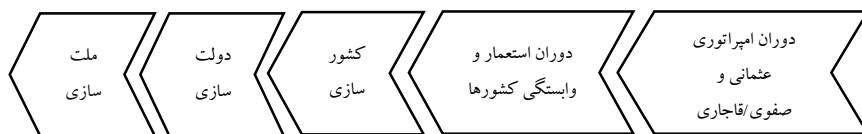
³. Jerath

⁴. Erikson

این میزان در برخی از کشورها نسبت به سایر بازیگران برجسته‌تر است. در خاورمیانه پیش از ناآرامی‌های عربی سابقه ورشکستگی دولت به لبنان، فلسطین و عراق باز می‌گردد که به سبب تکثیر شدید قومی-مذهبی، شکاف‌های عمیق فرقه‌ای و رقابت شدید بین جناح‌های رقیب نمونه‌هایی از دولت ضعیف و در پاره‌ای از مواقع ورشکسته بودند (زیبایی، ۱۳۹۷: ۵۱)؛ (Zibaei, 2018:51).

اگرچه سابقه دولت‌های ورشکسته در خاورمیانه به پیش از ناآرامی‌های فراگیر سال ۲۰۱۱ باز می‌گردد، اما اعتراضات مورد بحث موجی از فترت و ضعف را برای نهاد دولت در خاورمیانه عربی به دنبال داشت، به طوری که موجب تشدید ورشکستگی در پاره‌ای از دولت‌ها، افزایش تعداد دولت‌های ورشکسته منطقه و تبدیل وضعیت کشورها از ورشکسته به فروپاشیده گردید. با شروع ناآرامی در سرزمین‌های عربی دو کشور تونس و مصر به عنوان اولین کشورهای درگیر ناآرامی شاهد انتقال مسالمت آمیز قدرت و سرنگونی دیکتاتوری‌های حاکم بودند که برای بیش از دو دهه قدرت را در اختیار داشتند. حوادث فوق اگرچه موجب تضعیف نهاد دولت در کشورهای یادشده گردید، اما این ضعف مانع تحقق وظایف اصلی دولت چون تامین امنیت، حفظ کنترل سرزمینی، عرضه مایحتاج ضروری و... نگردید. با اینحال برخلاف روند عمومی انقلاب‌ها سرنگونی یک قدرت و جایگزینی آن با حکومت جدید موجب افزایش قدرت آن کشور در سطح بین الملل خواهد شد (Walt, 1996).

کشورهای تونس و به ویژه مصر به جهت شکاف شدید بین اسلام‌گرایان، سکولارها، بقایای رژیم‌های سابق شاهد تضعیف نهاد دولت بودند.



شکل ۱- تحول نظام‌های سیاسی خاورمیانه در عصر معاصر

Figure 1- The evolution of political Systems in the Middle East in the Contemporary Age

منبع: (خراسانی و امانی، ۱۴۰۰: ۱۵۸)؛ (Khorasani & Amani, 2022: 158)

تغییرات پی در پی از فوریه سال ۲۰۱۱ در مصر باعث شد که هیچ جریانی از محمد حسین طنطاوی گرفته تا احمد شفیق، عصام شرف و کمال جنزوری موفق به تشکیل دولت فراگیر مردمی نشوند و با روی کار آمدن ارتش نقش پررنگی در این دوره گرفت و تظاهرات مردمی برای بازپس گیری انقلاب نمود بیشتری در این تحولات داشت. هر چند که ارتش با گذشت ۱۷ ماه در حال ظاهر قدرت را به غیرنظامیان واگذار نمود، اما محمد مرسی نیز به عنوان مدعی سوم قدرت، فعالیت‌های ارتش را بیش از پیش محدود نمود که عاملی شد تا در جریان اعتراضی ژوئیه ۲۰۱۳

توسط ارتش برکنار و عدلی منصور رئیس دادگاه قانون اساسی مصر برای تشکیل دولت انتقالی معرفی گردد که همزمان ژنرال السیسی نیز از سمت وزارت دفاع خود استعفا داده و به یکی دیگر از رقبای انتخاباتی پیوست تا بار دیگر نقش ارتش در صحنه قدرت مصر بیشتر خود را نشان دهد (امام‌جمعه‌زاده و حشمتی، ۱۳۹۳: ۸)؛ (Imam Jomezadeh and Heshmati, 2013: 8).

مصر پس از به قدرت رسیدن السیسی هم شاهد اعتراض‌های مردمی بود؛ از زمان برکناری محمد مرسی اولین رئیس جمهوری غیرنظامی مصر اعتراضات در این کشور آغاز شد که در پی آن، هزاران نفر از مخالفان کودتا به زندان افتاده و ده‌ها نفر نیز محکوم به اعدام شدند. دولت السیسی پس از به قدرت رسیدن در سال ۲۰۱۳ گروه «اخوان المسلمین» که ریاست حزب تازه تأسیس آزادی و عدالت در آن زمان را به مرسی سپرده بود، یک گروه تروریستی نامید و دادگاه این کشور بیشتر رهبران آن را محاکمه کرد که برخی از آنها به اعدام و برخی دیگر به حبس ابد محکوم شدند. گزارش فعالان حقوق بشری مصر حاکی از آن است که از سال ۲۰۱۵ به این سمت، بیش از ۴۰ حکم اعدام در این کشور صادر و اجرا شده‌است. دادگاه استیناف مصر نیز حکم اعدام ۱۲ نفر از رهبران «اخوان المسلمین» را تأیید کرد. این افراد به سازماندهی تحصن در میدان «رابعه عدویه» و تجمعات مردمی در حمایت از «محمد مرسی» رییس جمهوری پیشین مصر متهم شده بودند. این دادگاه همچنین احکام صادرشده علیه ۳۱ متهم دیگر در این پرونده را که به اسامی آنها اشاره نشده‌است، از اعدام به حبس ابد کاهش داد (خانزاده، ۱۴۰۰)؛ (Khanzadeh, 2022).

عبدالفتاح السیسی برای دور دوم ریاست جمهوری ۲۰۱۸ مصر با کسب ۹۷ درصد آرا برنده شد. مراسم تحلیف وی روز دوم ژوئن ۲۰۱۸ در مجلس مصر در شهر قاهره برگزار شد که طی آن وی برای دومین بار به عنوان رئیس جمهوری این کشور سوگند یاد کرد. دوره‌ی دوم ریاست جمهوری وی نیز با انتقاداتی همراه بوده‌است. سال ۲۰۲۰، یک سازمان حقوق بشری غیردولتی از اجرای حکم ۱۶ زندانی سیاسی مصری خبر داد. این افراد به مشارکت در حملات علیه نیروهای نظامی این کشور متهم بودند. ماجد المصری می‌گوید: «از روشنفکر و فعال سیاسی گرفته تا شهروندان عادی، میزان سرکوب مخالفان و بحران اقتصادی طبقه‌ی محروم در حدی است که با وجود نفرت فراوان امید زیادی به فردای بهتر وجود ندارد. به عنوان مثال در زمان مبارک روزنامه‌نگاران تنها اجازه نداشتند تا به شخص رئیس جمهوری انتقاد کنند امروز اما انتقاد از کوچک‌ترین عملکرد دولت در زمینه‌ی اقتصادی و اجتماعی، زندان و حبس برای نگارنده در بر خواهد داشت. به جز آزادی بیان و ابراز عقیده، کشور با بحران اقتصادی بی‌سابقه در سال‌های اخیر مواجه‌است. یکی از دلایل اصلی آن سرکوب و بیرون‌راندن بازرگانان و تجار مشهور کشور و جایگزین کردن آنها با فرماندهان ارتش است.» به گفته‌ی سازمان ملل در سال ۲۰۱۹، بیش از ۳۲ درصد مصری‌ها زیر خط فقر زندگی می‌کنند. روزنامه‌ی لبنانی الاخبار نیز با انتقاد از سیاست‌های اقتصادی اتخاذشده از سوی رئیس جمهور مصر معتقد است که جمهوری جدید برای همه‌ی مردم مصر نیست و این در حالی است که ارتش، پلیس و قضات در این حکومت، امتیازهای بی‌سابقه‌ای به دست آورده‌اند. به نوشته‌ی این رسانه، در پی این سیاست‌ها، شهروندان مصری همچنان در

خیابان‌های این کشور از وخامت اوضاع شاکی هستند. در رسانه‌ی حزب آزادی و عدالت هم «عزالدین الکوئی»، هشت سال پس از کودتای ۲۰۱۳ را هشت سال تخریب، ویرانی، ظلم و ستم توصیف می‌کند. او می‌گوید: «رژیم مصر در آن زمان از حمایت مادی و معنوی تمامی نیروهای شیطانی بین‌المللی، منطقه‌ای و محلی برای آزار اسلام‌گرایان و خشی کردن موج بهار عربی برخوردار بوده است» (خانزاده، ۱۴۰۰)؛ (Khanzadeh, 2022).

۴- بررسی شاخص‌های ثبات سیاسی در کشور مصر پس از بهار عربی ۲۰۱۱

۴-۱- مسائل سیاسی مصر پس از بهار عربی ۲۰۱۱

از جمله مسائل سیاسی قابل بررسی در این بخش که بر وضعیت گروه‌های قومی و مذهبی و سیاسی شدن مطالبات آنان تأثیرگذار است عبارتند از باز یا بسته بودن فضای سیاسی کشور، فعالیت احزاب و همچنین نقش و جایگاه ارتش در سیاست.

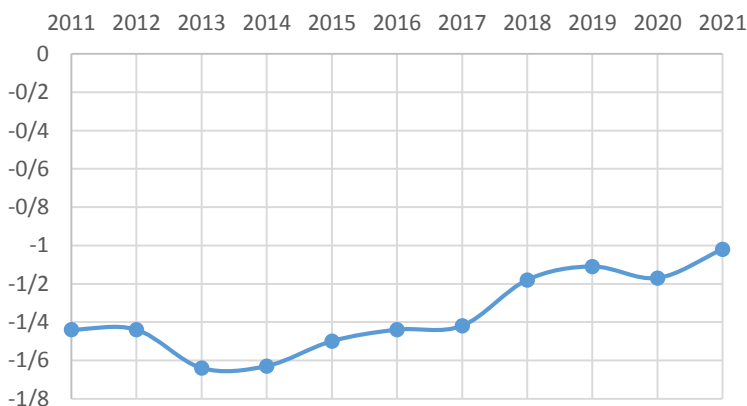
۴-۱-۱- فضای سیاسی

مصر به منزله‌ی پرجمعیت‌ترین کشور عربی از چند دهه‌ی گذشته از تأثیرگذارترین بازیگران در خاورمیانه به‌شمار می‌رود. مصر همچنین دومین و مهم‌ترین کشوری بوده‌است که امواج استبدادستیزی، آزادی‌خواهی، دموکراسی‌خواهی و اسلام‌گرایی بهار عربی را در نور دیده‌است. مصر در طول سه دهه حضور حسنی مبارک در قدرت، آمیزه‌هایی از اقتدارگرایی تا محدودیت برای اپوزیسیون و نهادهای مردمی را به خود دیده‌است که شروع آن با دولتی ظاهراً آشتی‌جویانه همراه بود و با محدودیت‌هایی برای نهادهای مدنی اسلام‌گرا خاتمه یافت در این دوره مبارک و سخت‌ترین حکومت اقتدارگرا را به نمایش گذاشت که هر گونه فعالیت گروه‌های مخالف را محدود می‌کرد. ساخت اقتدارگرایی حکومت مبارک به مثابه‌ی یک مانع مهم بر سر راه گذار به دموکراسی عمل کرد. حکومت اقتدارگرا و انحصارگرایی مبارک تمام کارگزاران و نهادهای اجرایی، قانونگذاری، قضایی، امنیتی و مانند آن را ملزم ساخت که در هماهنگی ارگانیک با کل در خدمت تداوم اقتدارگرایی عمل کنند. سازوکارهای کورپوراتیستی همکاری‌جویانه و محافظه‌کارانه یکی از ریشه‌های استمرار اقتدارگرایی در ائتلاف‌های طبقاتی مصر بود. مبارک با حمایت از این گروه‌ها، فرصت‌ها و تسهیلات مالی و قانونی برایشان فراهم می‌نمود و هر گونه حرکت اعتراض‌گونه بر خلاف آن با سرکوب پاسخ داده می‌شد (Ehteshami & Murphy, 1996: 754).

علاوه بر این، بوروکراسی وابسته و گسترده به مثابه‌ی سدی در مقابله‌ی کنشگران مدنی و عاملی در جهت تداوم اقتدارگرایی عمل می‌کرد. اقتدار بوروکراتیک در ساخت قدرت مبارک در خدمت دولت او بود و نخبه‌گرایی وابسته به دولت از عواملی بود که اقتدار دولت را تضعیف می‌کرد و بیشتر به عنوان یک رابطه‌ی بده‌بستانی غیررسمی بین نخبگان با دولت حسنی مبارک بود. هر چند تا ژانویه ۲۰۱۱ دولت مبارک در ثبات سیاسی بود اما محدودیت‌ها و سرکوب‌گری‌هایی که علیه کنشگران مدنی و به ویژه اسلام‌گرایان و سکولارها اعمال می‌شد عاملی در تضعیف روابط و تعارض آموزه‌هایشان شده بود.

بسیاری از تحلیل‌گران، در سال ۲۰۱۱ میلادی سقوط حسنی مبارک و سرکارآمدن دولت محمد مرسی به عنوان نماینده اکثریت مردم را آغاز فرآیند دموکراسی و مردم سالاری در مصر می‌دانستند اما مرسی نیز مانند مبارک در مقابل رسانه‌های مخالف داخلی، از حربه برچسب زنی و اتهام، زندان، توقیف روزنامه یا رسانه استفاده کرد. با ابزار قانون، قانون (توهین به رئیس‌جمهور)^۱ را تصویب کرد تا مخالفان خود را به زندان افکند. شبکه العربیه به اطلاعات حقوق بشر گزارش داد که دولت مرسی با اتهام توهین به رئیس‌جمهور در دویست روز اول ریاست جمهوری خود، چهار برابر بیشتر از حکومت سی ساله حسنی مبارک، افراد را زندانی کرده است.

اما یک سال پس از تحلیف محمد مرسی موج جدیدی از اعتراضات علیه دولت انقلابی شکل گرفت که نهایتاً در سوم ژوئیه ۲۰۱۳ طی کودتایی به سقوط دولت منجر گردید و بعد از یک فرآیند انتقالی ژنرال عبدالفتاح السیسی زمام امور مصر را به دست گرفت. (شیخ الاسلامی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۶۲)؛ (Sheikh Al-Islami et al., 2020:162).



نمودار ۱- ثبات سیاسی در مصر (ترسیم: نویسندگان)

Chart 1- Political stability in Egypt (Drawing: The Authors)

Source: <https://www.theglobaleconomy.com/Egypt/> (2023)

۲-۱-۴- احزاب

هر چند رژیم مبارک در صدد بود نمایش سیمای یک نظام چندحزبی از حکومت خود نشان دهد و با جامه عمل پوشاندن بر این کار آزادی عمل‌هایی نیز به برخی احزاب و انجمن‌ها داده شد، اما چیزی که مشهود بود هیچ نهادی در دوره تصدی مبارک رشد نیافته و هیچ مشارکت سیاسی شکل نگرفت و احزاب به عنوان نمایندگان تشکیل‌دهنده دولت-ملت‌سازی در مصر همیشه با چالش‌های فراوانی روبرو بودند (امام‌جمعه‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۴۲)؛ (Imam Jomazadeh, 2014: 142).

احزابی که در مصر در دوره مبارک مشروعیت بدست آوردند این مشروعیت خود را مدیون احکام قضایی کمیسیون احزاب بودند و نقش قوه قضاییه در تحولات دموکراتیک غیرقابل انکار

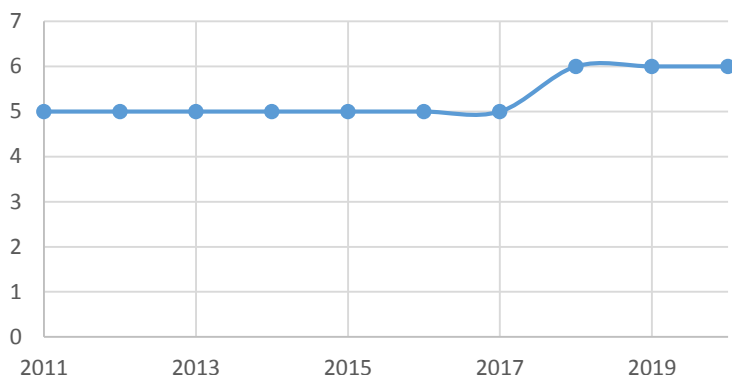
¹. Insulting the President

است (فواد عبدالله، ۱۳۸۰: ۵۲)؛ (Foad Abdullah, 2002:52). هر چند مخالفت با احزاب حتی در مصر بعد از دوره مبارک نیز وجود داشت و این احزاب تجربه حضور در عرصه‌های سیاسی و رقابتی نداشتند و مشکل بزرگ‌ترشان عدم اعتماد مردم به آنها بود که امکان فعالیت و حضور مؤثر در جامعه را از آنها می‌گرفت (امام جمعه‌زاده، ۱۳۹۳: ۱۴۲)؛ (Imam Jomazadeh, 2014: 142).

در پی سقوط مبارک و در پرتو گسترش آزادی سیاسی در این کشور، تأثیرگذاری جریانات مختلف سیاسی و مذهبی گسترش یافته و هم‌اکنون رقابت قابل توجهی میان گرایش‌های سیاسی و فکری مختلف از جمله میان اسلام‌گرایی و سکولاریسم به چشم می‌خورد. نظام سیاسی مصر اکنون یک نظام چندحزبی به شمار می‌رود. بزرگ‌ترین آنها حزب مصریان آزاد، حزب وفد جدید، حزب کنفرانس و حزب سوسیال دموکرات مصر هستند.

از جمله احزابی که پس از انقلاب مجوز گرفتند می‌توان به این موارد اشاره کرد: گروهی از جوانان و رهبران انقلابی مصر اقدام به تأسیس حزب سیاسی ویژه‌ای کردند که در آن حتی گروهی از باقی‌مانده‌های احزاب معارض سنتی که جوانان انقلابی به آنان به چشم شرکای نظام سابق نگاه می‌کردند هم حضور داشتند. این حزب «جبهه آزادی و توسعه و دفاع از دستاوردهای انقلاب» نام داشت. بیانیه تأسیسی این حزب توسط ۳۰ هزار نفر از جوانان مشارکت‌کننده در انقلاب مصر امضا شد. این حزب نخستین حزبی بود که تأسیس آن از سوی جوانان متحصن در میدان التحریر قاهره اعلام شد. همچنین حزب دیگری به نام «جبهه آزادی‌خواهی» که شامل تعدادی از اعضای جوانان انقلابی بود اقداماتی را برای تأسیس حزب سیاسی جدیدی به نام «جوانان آزادی‌خواه» صورت دادند و در نهایت وائل الابراشی روزنامه‌نگار مصری موجودیت این حزب جدید را اعلام کرد. برخی دیگر از جوانان انقلابی مصر حزب دیگری را تحت نام «حزب ۲۵ ژانویه» تأسیس کردند. همچنین تعداد دیگری از همین جوانان انقلابی با هدف جلوگیری از هرگونه شکاف در بین جوانان و سایر گروه‌های مشارکت‌کننده در انقلاب ۲۵ ژانویه حزب جدیدی را با نام «ائتلاف» تأسیس کردند. در گام مهم دیگری، ممنوعیت فعالیت حزب کمونیست مصر که از سال ۱۹۲۴ فعالیت آن ممنوع شده بود، لغو گردید و این حزب به طور علنی در صحنه‌ی سیاسی مصر با صدور بیانیه‌ای مبنی بر برگزاری اجلاس گسترده، فعالیت خود را آغاز کرد. ضمن آنکه با تأسیس حزب جدیدی با نام حزب دمکراتیک اجتماعی مصر که در آن جریان‌های چپ دمکرات و لیبرال پایبند به عدالت اجتماعی مشارکت داشتند، موافقت شد. همچنین تعدادی از فعالان حوزه‌ی کارگری و چپ‌گراها تأسیس اولین حزب از نوع طبقه‌ی کارگر مصر را در نشستی با حضور رهبران انجمن‌های کارگری و اشتغال در استان‌های مختلف اعلام داشتند (شکیبایی، ۱۳۹۰)؛ (Shakibaei, 2011).

به طور کلی از سال ۲۰۱۵ تا به امروز، بیش از ۱۰۰ حزب سیاسی ثبت شده در مصر وجود دارد. این آمار با توجه به این که تعداد احزاب مجوز گرفته پیش از انقلاب ۲۴ بوده است، نشان از پیشرفت قابل ملاحظه‌ی مصر در زمینه‌ی فعالیت احزاب دارد.



نمودار ۲- آزادی‌های مدنی در مصر (ترسیم: نویسندگان)

Chart 2- Civil liberties in Egypt (Drawing: The Authors)

Source: <https://www.theglobaleconomy.com/Egypt/> (2023)

۳-۱-۴- ارتش

تحولات تاریخی مصر مبین این مساله است که ارتش در همه حوادث سیاسی کشور از جمله انقلاب مردم مصر در سال ۲۰۱۱ موضع تعیین کننده داشته است. چنانکه در «بیانیه روز برکناری مرسى» دخالت خود را در چارچوب «بى طرفى» تفسیر کرد و عملکرد خود را «مسئولیت تاریخی و میهن پرستانه» می‌دانست. در ادامه، عمل ارتش «با توکل به خدا، در راه مصر و مردمش علیه هرگونه تروریسم و افراط‌گرایی و حماقت» بازنمایی شده است. (عالیشاهی و دیگران، ۱۳۹۹)؛ (Alishahi et al., 2019).

همچنین ارتش در مصر علاوه بر قدرت سیاسی، قدرت اقتصادی و رسانه‌ای بسیار قوی دارد و همین مساله این نهاد را حتی در میان ساختار درونی دولت پنهان نیز به بازیگری بی همتا تبدیل کرده است. ارتش مصر خود را ما فوق قانون و حافظ کيان کشور دانسته و برای چنین مسئولیتی خود را لزوماً تابع قوانین نمی‌داند (خراسانی، امانی، ۱۴۰۰: ۱۶۶)؛ (Khorasani, Amani, 2۰۲۲: ۱۶۶). در واقع مبارک بعد از اینکه در سال ۱۹۸۱ میلادی سرکار آمد، ارتش را تقویت نمود به گونه‌ای که نظامیان سکان اقتصاد و صنعت این کشور عربی را بر عهده گرفتند (هراتی و ظفری، ۱۳۹۲: ۱۵۰)؛ (Harati and Zafari, 2013: 150).

همچنین نظام حسنی مبارک به رغم ژست‌های مردم‌سالاری که می‌گرفت در رویارویی با شهروندان چهره‌ای خشن و بی‌رحم داشت. بسیاری از تظاهرات‌های مسالمت‌آمیز در دوران وی سرکوب می‌شد. مخالفان بدون طی روند محاکمه‌ی عادلانه، دستگیر و زندانی می‌شدند و در زندان، بدترین شکنجه‌ها را تحمل می‌کردند. بدترین اهانت‌ها به مردم در مراکز پلیس تحمیل می‌شد و در مجموع حکومتی پلیسی بر جامعه حاکم بود (مطلبی، ۱۳۹۶: ۱۱۴)؛ (Motalebi, 2018: 114).

¹. Impartiality

با وقوع انقلاب ۲۰۱۱ میلادی ارتش در کنار تظاهر کنندگان قرار نگرفت، بلکه پس از مجبور کردن مبارک به کناره‌گیری از قدرت حاضر شد اعلام کند که با انتقال قدرت از مبارک به حکومت منتخب مردم همکاری می‌کند. شورای عالی نظامی که حکم «دولت پنهان» نظامی در مصر را داشت، تصمیم گرفت که از ارتش برای سرکوب انقلابیون استفاده نکند (اطاعت و کریمی، ۱۴۰۰، ۱۶۷)؛ (Etaat & Karimi, 2022, 167).

شورای عالی نظامی پس از سرنگونی مبارک، به جای اینکه تضعیف شود، تقویت شد و با صدور اعلامیه قانون اساسی ارتش در سال ۲۰۱۲ میلادی قدرت خود را به رخ ملت کشید. در ادامه اقدامات ارتش علیه مردم مصر، دادگاه عالی قانون اساسی این کشور، حکم به انحلال مجلسی داد که پس از سقوط مبارک و قبل از ریاست جمهوری مرسى تشکیل شده بود. شورای عالی نیروهای مسلح مصر، پس از انحلال پارلمان اعلام کرد، در نبود پارلمان، قانون‌گذاری را حق خود می‌داند. ... در مقابل مرسى نیز پس از رسیدن به قدرت، اقدام به پاکسازی بسیار محدود در ارتش و نیروهای امنیتی وابسته به آن کرد. آنان شماری از افسران ارشد را برکنار یا بازنشسته کردند. (فیرحی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۰ و ۱۱۸-۱۱۷)؛ (۱۲۰ & Feirahi and Askarisadr, 2018: 117-118). مرسى ژنرال طنطاوی را برکنار و ژنرال السیسی را به فرماندهی ارتش منصوب کرد (ساجدی و رنجبر، ۱۳۹۴: ۶۸)؛ (Sajedi & Ranjbar, 2015: 68)

این اقدام مرسى باعث ناراحتی نظامیان شد. لذا آنها به دنبال موقعیتی بودند تا از اخوان انتقام بگیرند. همچنین مشکلات شدید اقتصادی در طول حکومت مرسى سبب تشدید فقر و توسعه ناامنی در کل مصر شد و این موضوع به نفع ارتش تمام شد. نهایتاً ارتش موفق شد جریان اخوان را در ۳۰ ژوئن ۲۰۱۳ میلادی و پس از ناتوانی دولت مرسى در بازگرداندن آرامش به کشور، با حمایت الازهر و کلیسای قبطی‌های مصر از صحنه سیاسی مصر کنار بزند (ملائکه و حسین، ۱۳۹۴: ۷۲)؛ (Malaekheh and Hosseini 2016: 72)

همچنین در تثبیت قدرت نظامیان یک عامل خارجی نیز تاثیر گذار بود. جمال قاشقچی در سال ۲۰۱۸ این تغییر را پیش‌بینی کرده بود که «عقیده به خودکامه‌ای نیک‌خواه دیکتاتوری عادل، دوباره در جهان عرب قوت گرفته است» اگر دیکتاتورهای قدیمی به عرصه نان‌یارانه‌ای، منت نهادن به خاطر ثبات و ترساندن مردم از توطئه‌های خارجی اکتفا می‌کردند جانشینان امروزی شان میلیون‌ها دلار برای استخدام مشاوران غربی و برگزاری گردهمایی‌های پر زرق و برق خرج می‌کنند. آنان وعده می‌دهد زنان را به آزادی برسانند، آخرین فناوری‌ها را به خدمت گیرند و بیابان را آباد کنند». مبلغان اصلی این تصور جدید از پیشرفت جوامع عرب کسانی مثل رئیس‌جمهور مصر عبدالفتاح السیسی، محمد بن سلمان شاهزاده عربستان سعودی و شیخ محمد بن زیاد امیر ابوظبی و جانشین فرمانده ارشد نیروهای نظامی امارات هستند. (مسعود، ۱۴۰۰: ۵۲)؛ (Masoud, 2022: 52).

عبدالفتاح السیسی در رأس ارتش مخالفت خود را با اسلام‌گرایان با قلع و قمع رهبران اخوان

¹. Hidden Government

المسلمین نشان داد به طوری که در دولت مصر نقش نظامیان در بازگشت آرامش به کشور هنوز خود را نشان می‌داد. با ارائه بیانیه عزل مسری توسط السیسی موج جدیدی از بحران در مصر شکل گرفت که در آن تنها راه حل تثبیت اوضاع گشودن سلاح بر روی مردم خودی بود که نمونه آن حادثه ۱۴ آگوست ۲۰۱۳ و گزارش هزاران کشته و زخمی به جای مانده در میدان رابعه العدویه و النهضه بود (آقازادی، ۱۳۹۲: ۳)؛ (Aghazadi, 2012: 3). ارتش با عملکرد ضعف خود در عدم توانایی در متفرق‌سازی تظاهرات کنندگان و اقدام به دستور آتش بر روی مردم تداعی گر نحوه برخورد حسنی مبارک با مردم شد. هر چند قدرت نمایی ارتش مصر بر مردم خود بازتاب منفی از عملکردشان داشت اما در حال حاضر ارتش مصر به لحاظ گستردگی دوازدهمین ارتش در رتبه‌بندی کشورهاست.

۲-۴- مسائل اقتصادی مصر پس از بهار عربی ۲۰۱۱

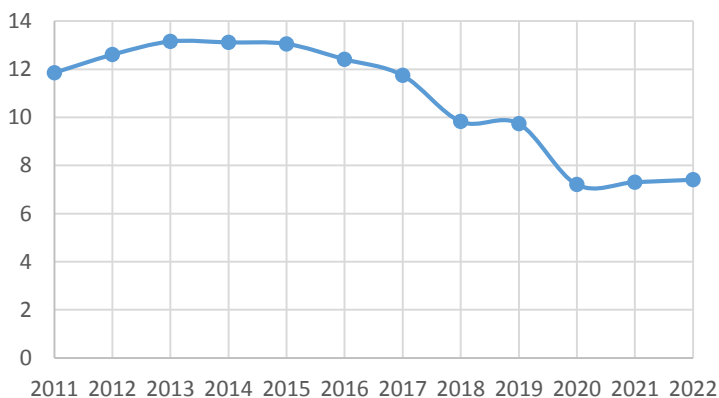
دقیقا همان طور که مخالفین دیکتاتوری می‌توانند در مواقع بروز بحران اقتصادی یا سیاسی، قدرت موقتی به دست آورند، مخالفین دموکراسی نیز از همین فرصت برخوردارند. در مصر نیز کودتا علیه محمد مرسی در زمانی اتفاق افتاد که شرایط اقتصادی کشور بحرانی بود. و این خود بهانه‌ای شد برای ارتش که سایر گروه‌ها و طبقه‌های ناراضی را علیه دولت بشوراند (شیخ الاسلامی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۶۵)؛ (Sheikh al-Islami et.al, 2020:165). در این بخش به سه متغیر بیکاری، تورم و فقر و فساد از زیر مجموعه‌های شاخص اقتصادی در کشور مصر می‌پردازیم.

۲-۴-۱- بیکاری

مصر از نظر جمعیتی در سال‌های منتهی به ۲۰۱۱ حدود ۴۵ میلیون جوان زیر ۳۵ سال داشت که با چالش‌هایی چون بیکاری گسترده مواجه بودند (هراتی و محمدی، ۱۳۹۸: ۱۲۱)؛ (Harati and Mohammadi, 2020:121). همچنن طبق آمارهای رسمی، نرخ بیکاری در میان جمعیت زیر ۳۰ سال، ۲۱ درصد بوده و همین مسئله شرایط دشوار اقتصادی را در این کشور ایجاد کرده است (Osman, 2011: 199). هر چند میزان بیکاری در مصر طی سال‌های ۲۰۱۱ رقمی در حدود ۱۱/۸۵ درصد را نشان می‌دهد اما آنچه از وضعیت گزارش‌های نهادهای بین‌المللی و حتی نهادهای غیردولتی مصر ارائه می‌شود ارقامی بیشتر از این نشان می‌دهد.

از سوی دیگر مطالعاتی که در مصر صورت گرفته نشان می‌دهد فارغ‌التحصیلان دانشگاه ترجیح می‌دهند به جای کار در بخش غیررسمی به کارهایی مانند رانندگی، فعالیت‌های تجاری کوچک و غیرثابت همچون دک‌های فروش مواد غذایی بپردازند (EI-hamidi, Wahba 2005). ناتوانی دولت در ایجاد اشتغال و ارائه امکانات بر جوان تحصیل کرده عامل تشدید اعتراضات از سوی تحصیل کردگان دانشگاه شده بود (Goldeston, 2011). متغیر جنسیت نشان می‌دهد که این سرخوردگی منحصر به یک جنسیت نیست، زیرا هم جوانان مرد و هم زن در سطوح مشابهی از نارضایتی از نظام سیاسی مشترک هستند. متغیر اقتصادی-اجتماعی نیز نقش دارد و اکثریت جوانان ناراضی از طبقات متوسط و پایین هستند. جو سیاسی مصر در سال‌های اخیر با کودتای نظامی در سال ۲۰۱۳ و متعاقب آن افزایش اقتدارگرایی در دوره ریاست جمهوری عبدالفتاح السیسی، پر آشوب بوده است. این امر

به سرخوردگی جوانان کمک کرده است، زیرا امید آنها برای آینده ای دموکراتیک و مرفه از بین رفته است. سن، تحصیلات، منطقه، شکاف شهری و روستایی، جنسیت، و متغیرهای اجتماعی-اقتصادی همگی در شکل دادن به نگرش سیاسی جوانان مصر نقش دارند. سرخوردگی جمعی آنها چالش مهمی برای رهبران کشور است که باید راه‌هایی برای رفع نگرانی‌های خود و بازگرداندن امید به آینده بیابند. مطالعه‌ی ترکیب سنی جمعیت در مصر نیز بیانگر قدرت نسل جوان و شکاف نسلی در مصر است. جمعیت مصر با رشد ۲ درصد برآورد می‌شود در سال ۲۰۲۵ به ۱۰۰ میلیون برسد. با رشد جمعیت دو درصدی، هر نه تا ده ماه یک میلیون نفر به جمعیت مصر اضافه می‌شود. آمار بیانگر این نکته است که نسل نوجوان و جوان اکثریت بافت جمعیتی مصر را تشکیل می‌دهند. تأمین نیازهای آینده‌ی آنها از نظر کار، مسکن، غذا و آب مشکل است. با رشد دو درصدی جمعیت، آینده‌ی به شدت بی‌ثباتی در انتظار نخبگان سیاسی مصر خواهد بود.



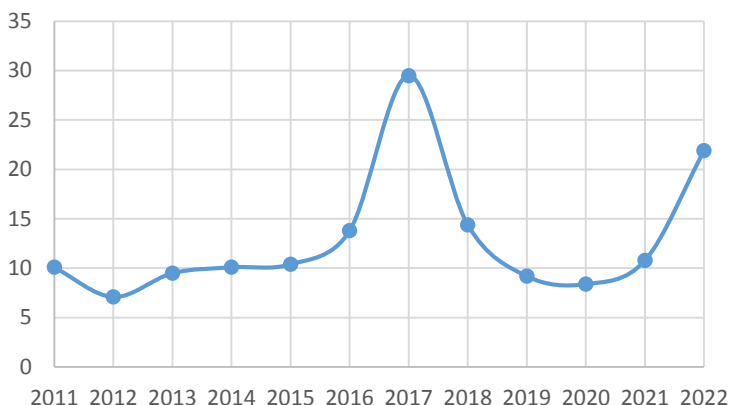
نمودار ۳- نرخ بیکاری در مصر (ترسیم: نویسنده)

Chart 3- Unemployment rate in Egypt (Drawing: The Authors)

Source: <https://www.theglobaleconomy.com/Egypt/> (2023)

۲-۲-۴- تورم

افزایش نرخ تورم نیز از جمله مواردی است که به گسترش ناامیدی و بروز شکایت میان مردم جامعه منجر شده و به خشونت سیاسی دامن می‌زند. در سال‌های منتهی به انقلاب مصر، یعنی از سال ۲۰۰۶ به بعد، این کشور شاهد نرخ تورم صعودی بوده است. افزایش نرخ تورم و همچنین افزایش قیمت‌ها در کنار نرخ بیکاری بالای مصر از عوامل مهم شکل‌گیری انقلاب ذکر شده است. در سال ۲۰۱۱ نرخ تورم در مصر رقم ۱۱/۰۹ را نشان می‌دهد. تا سال ۲۰۱۳ مصر شاهد روند کاهشی نرخ تورم بوده و پس از آن مجدداً این نرخ صعودی می‌شود. یکی از دلایل این افزایش نرخ تورم، کودتای نظامی و به تبع آن خروج برخی سرمایه‌گذاران از این کشور ذکر شده است. در سال ۲۰۱۷ مصر شاهد بالاترین نرخ تورم در سی سال اخیر یعنی ۲۳/۵۳ بوده است که ناشی از رکود پس از کودتا است.



نمودار ۴- نرخ تورم در مصر (ترسیم: نویسنده)

Chart 4- Inflation rate in Egypt (Drawing: The Authors)

Source: <https://www.theglobaleconomy.com/Egypt/> (2023)

۳-۲-۴- فقر و فساد

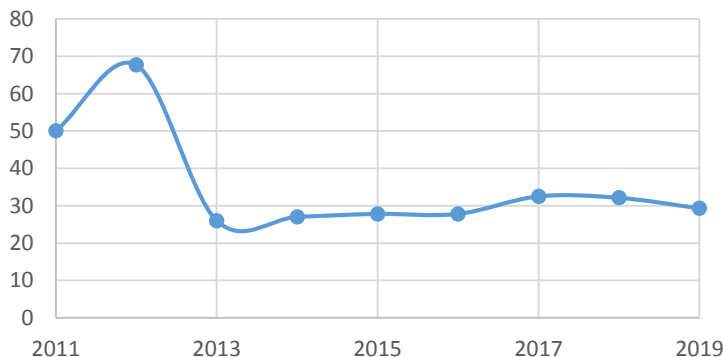
مصر در دوران قبل از انقلاب در میان کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، دارای رشد مداومی در حدود ۵ تا ۴ درصد در ۲۵ سال گذشته بوده است. ویژگی برجسته اقتصاد این کشور، متنوع بودن آن نسبت به اغلب اقتصادهای تک محصولی و وابسته به نفت خاورمیانه و شمال آفریقا است (Kinnimont, 2012: 3).

عامل دیگری که اعتراضات انقلابی مردم مصر را تشدید می‌کرد فساد اقتصادی خانواده مبارک و افراد وابسته به دولت بود که شاید نشانه ضعف ساختار سیاسی حکومت باشد. آمارها از دارایی ۴۰ تا ۷۰ میلیون دلاری خانواده مبارک از یک سو و نیز مسئولان و نزدیکان وابسته به آنها با ارزش دارایی بیش از یک میلیارد دلار حکایت دارد (Goldstone, 2011). این در شرایطی است که عملکرد فاجعه بار حکومت اجازه استفاده از پتانسیل نامحدود مصر از منابع طبیعی نظیر رود نیل و منابع معدنی و حتی صنعت توریسم در کانال سوئز را از آنان گرفته است.

اقتصاد مصر در دوران حکومت مبارک یکی از بهترین نتایج توسعه را در میان کشورهای جهان سوم داشته و میزان رشد اقتصادی آن پویا بود و در طول سی سال، این رشد ۴,۵ برابر شده است. نرخ رشد سالانه اقتصادی نیز حدوداً چیزی میان ۷,۲ درصد و ۴,۶ درصد بوده است (korotayev & Zinkina, 2011: 140). در سال ۲۰۱۱ این میزان رشد به ۴۰ درصد رسید. مصریان سال‌ها شاهد افزایش رشد اقتصادی کشور بودند؛ اما سود آنها تنها عاید طبقه حاکمه ای می‌شود که بر تمام فعالیت‌های اقتصادی سایه افکننده است. سرانجام، آنچه به مردم می‌سده، افزایش قیمت مواد غذایی و ایجاد شکاف‌های عمیق اقتصادی است (Glassman and Glickman, 2011: 6).

بر اساس آمار سازمان ملل ۲۰ تا ۳۰ درصد مردم هنوز هم زیر خط فقر زندگی می‌کنند و توزیع نابرابر درآمد سبب شکل‌گیری طبقه مرفه نوظهوری شده که عمده ثروت مصر را در کنترل دارد

که در حال زندگی در مناطق اعیان نشینی چون شهرهای النصر و الزمالک هستند. اما فقرا در محله‌های به دور از هرگونه امکانات بهداشتی و مواد غذایی سالم زندگی می‌کنند.



نمودار ۵- نرخ فقر در مصر (ترسیم: نویسنده)

Chart 5- Poverty rate in Egypt (Drawing: The Authors)

Source: <https://www.theglobaleconomy.com/Egypt/> (2023)

۳-۴- مسائل اجتماعی و فرهنگی مصر پس از بهار عربی ۲۰۱۱

از جمله مسائل اجتماعی و فرهنگی قابل بررسی در این بخش که بر وضعیت گروه‌های قومی و مذهبی و سیاسی شدن مطالبات آنان تأثیرگذار است عبارتند از وضعیت جامعه‌ی مدنی و آزادی‌های مدنی و میزان توسعه‌ی فناوری در هریک از کشورها.

۳-۴-۱- جامعه مدنی

مصر در بازه زمانی ۱۹۲۲ تا ۱۹۵۲ و تجربه خروج از تحت الحمایگی انگلستان با فضای باز دموکراتیکی پادشاهی مواجه بود که در آن امکان هر گونه فعالیت اصلاح طلبانه، حق رأی همگانی برای مردان، انتشار روزنامه و کتاب، فعالیت‌های روشنفکری بدون حمایت خارجی امکان وجود داشت (اوتاری، ۱۳۸۶: ۴۳). اما کودتای افسران عاملی بر محدودیت‌های جامعه مدنی و نهادهای دموکراتیک شد، به طوری که دوره ناصر مصادف با اقتدارگرایی پوپولیستی بود که هر گونه فعالیت احزاب سیاسی غیرقانونی اعلام شد (هنی بوش، ۱۳۸۲: ۱۶۸-۱۶۹)؛ (Hinnebusch, 1998: 168-169). در دوره انور سادات هر چند نظام تک حزب ناصر برچیده شده و تا حدودی به فعالیت دو حزب مخالف اجازه داده شده بود اما رگه‌هایی از تکثرگرایی سیاسی مشهود بود (اوتاری، ۱۳۸۶: ۴۱). مبارک نیز ادامه دهنده راه انور سادات بود و این با تنوع نهادهای حقوق بشری و جنبش‌های اجتماعی از اسلام گرا گرفته تا مارکسیست و حتی ملی گرایان عرب و برخی لیبرال‌ها خود را نشان می‌داد هر چند که می‌توان گفت همه تحت رهبری مبارک فعالیت می‌کردند (Hassan, 2013: 5-). احزاب الوفد و الغد به عنوان قدیمی‌ترین و ریشه دارترین حزب‌های منادی اسلام سیاسی در مصر در این دوره آزادی عمل فراوانی در امور فرهنگی داشتند و رسانه‌ها و مطبوعات را در اختیار

داشتند (ابوطالبی، ۱۳۹۰: ۳-۱)؛ (Abu Talebi, 2012: 3-1).

گروه اخوان المسلمین در بین احزابی مانند مؤسسه مصریان علیه فساد، سازمان شفاف‌سازی مصر و نیز سازمان حقوق بشر مصر نقش بیشتر در شفاف‌سازی ناکارآمدی و فساد دولت داشت (Hawthorne, 2004: 20-24) و با بسیج سیاسی مردم و نفوذ در بین احزاب و سندیکاهای مختلف مصر و قدرت مالی خود توانست موج انقلاب ۲۰۱۱ را به سمت پیروزی هدایت نماید (Eltaweel, 2012: 5-8). هر چند نمی‌توان نقش سایر گروه‌ها و احزاب را در پیروزی انقلاب نادیده گرفت. اتحادیه بازرگانی دولتی مصر نیز با حضور در صفوف انقلابیون به تزلزل پایه‌های حکومت حسنی مبارک کمک کردند (Beilin, 2012: 14-18). علاوه بر احزاب شناخته شده، احزاب بدون ساختار و ناشناخته‌ای مانند گروه کفایا، گروه فیسبوکی به نام «ما همه خالد سعید هستیم»، گروه نویسندگان خواستار تغییر، کلپ قضات مصر، جنبش ۹ مارس، جوانان خواستار تغییر نیز در مصر حضور داشتند که طریق آموزش شهروندی، در به بار نشستن انقلاب مؤثر بودند (Barden, 2011: 3-4). علی‌رغم تمام فراز و نشیب‌هایی که در طول دوره انقلاب مصر رخ داد جامعه‌ی مدنی در مصر با تخریب بدنه و زیرساخت‌های سیاسی-اجتماعی رژیم پیشین این کشور و به حاشیه راندن سازمان‌ها و نهادهای دولتی، بسیج سیاسی مردم را تسهیل نموده و پیروزی انقلاب در این کشور را سرعت بخشید (Beilin, 2012: 18-24).

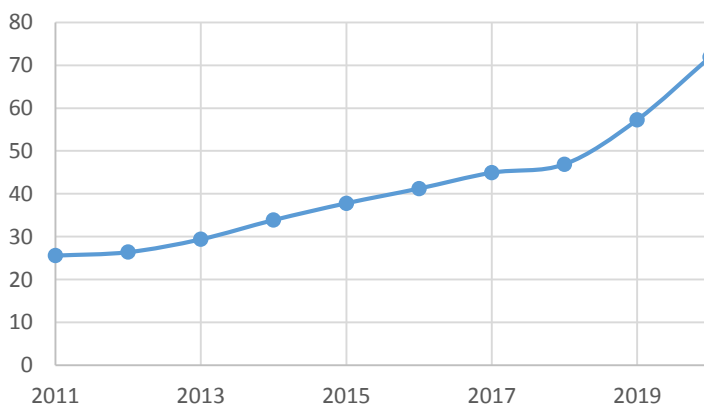
۲-۳-۴- توسعه فناوری

از نظر اکثر تحلیل‌گران نمی‌توان منکر نقش فضای مجازی توئیتر و فیسبوک و اینترنت در انقلاب خاورمیانه و شمال آفریقا شد (Lord and Sharp, 2011: 12). به طوری که اکثر سازماندهی تجمع‌های سیاسی و اعتراضی در همین فضا با نقطه اشتراک مجازی و الکتریکی صورت گرفت و شاید بتوان انقلاب ۲۰۱۱ را به عنوان انقلاب توئیتری و یا فیسبوکی شناخت (مقصودی و حیدری، ۱۳۹۰: ۵۱-۵۲)؛ (Maqsoodi and Heydari, 2010: 51-52).

چنین ضرورتی سبب شد مصر در منطقه شمال آفریقا با نرخ ۷۷/۴٪ کاربران اینترنت در سال ۲۰۱۱ رتبه نخست را کسب کند. بر اساس آمار، ویدئوهای به اشتراک گذاشته شده در شبکه مجازی، در هر روز ۵/۵ میلیون نفر بازدید داشته‌اند. (ناصری و اسدی، ۱۳۹۱: ۲۲۷)؛ (Naseri and Asadi, 2011: 227) و مصر در بین کشورهای جهان عرب، قوی‌ترین و بزرگ‌ترین حوزه وبلاگ نویسی را کسب کرده بود. همچنین این کشور بیشترین جمعیت بر خط اینترنتی (بیش از ۲۴ میلیون نفر) را داشته است (Etling, 2010: 3). رسانه‌ها یکی از ابزارهای قدرت دولت‌ها محسوب می‌شوند. تحلیل‌گران آمریکایی معتقدند شبکه‌ی اجتماعی توئیتر نقش مهمی در شنیده شدن صدای مردم مصر داشته‌است. آنها معتقدند همکاری این شبکه‌ی اجتماعی با غول اینترنتی گوگل باعث ایجاد امکان اشتراک صوتی فایل‌ها از طریق پست الکترونیکی صوتی شده است (حمیدی، ۱۳۹۰: ۱۸-۱۷)؛ (Hamidi, 2010: 17-18).

با توجه به این که رسانه‌ها یکی از ابزارهای قدرت دولت محسوب می‌شوند لذا در طی

اعتراضات و انقلاب مردم مصر با توجه به نقش اینترنت که یک رسانه‌ی مردمی است و جوانان مصری از طریق آن اقدام به تبادل اطلاعات و سازماندهی قیام‌ها کردند، دولت مصر سه روز پس از شروع تظاهرات مردم در ۲۸ و ۲۹ ژانویه اقدام به قطع اینترنت و تلفن همراه کرد تا بدین وسیله ارتباط تظاهرکنندگان را قطع کند. شبکه‌ی اجتماعی توئیتر نیز توسط دولت مصر در این کشور بلوکه شد. تحلیل‌گران آمریکایی معتقدند شبکه‌ی اجتماعی توئیتر نقش مهمی در شنیده شدن صدای مردم مصر داشته است. آنها معتقدند همکاری این شبکه‌ی اجتماعی با غول اینترنتی گوگل باعث ایجاد امکان اشتراک صوتی فایل‌ها از طریق پست الکترونیکی صوتی شده است (حمیدی، ۱۳۹۰: ۱۸-۱۷). بی‌گمان اگر زیر فشار حکومت و در سایه‌ی سانسور در یک جامعه، راه‌های معمول برای بیان خواسته‌ها و اعتراض بسته باشد، شهروندان به کانال‌ها و شیوه‌هایی چون اعتراضات خیابانی یا رسانه‌های نوین مانند اینترنت و شبکه‌های اجتماعی رو می‌کنند؛ تا هم صدای خود را به گوش آزادی‌خواهان در دیگر کشورها برسانند و هم به کمک امکاناتی که رسانه‌های نوین به ویژه شبکه‌های اجتماعی در اختیارشان گذاشته متشکل شوند.



نمودار ۶- درصد کاربران اینترنت در مصر (ترسیم: نویسنده)

Chart 6- Percentage of Internet users in Egypt (Drawing: The Authors)

Source: <https://www.theglobaleconomy.com/Egypt/> (2023)

نتیجه‌گیری

نه تنها در مصر، بلکه به‌طور کلی در خاورمیانه به دلیل فقدان شرایط و بستر تاریخی اجتماعی اقتصادی و سیاسی مناسب، ثبات سیاسی برقرار نشد. اگرچه در مصر پس بهار عربی در شاخص‌هایی چون ثبات سیاسی، تعدد احزاب، نرخ بیکاری، نرخ تورم، نرخ فقر و دسترسی به اینترنت پیشرفت داشته‌باشد. اما علی‌رغم این پیشرفت‌ها، این کشور همچنان در بحث آزادی‌های مدنی پیشرفتی نداشته و در زمره‌ی پایین‌ترین کشورها در رده‌بنده جهانی است و شاخص‌هایی ثبات سیاسی از جمله، مسائل سیاسی از قبیل فضای باز یا بسته‌ی سیاسی، میزان فعالیت و آزادی احزاب، دامنه فعالیت

ارتش، مسائل اقتصادی از قبیل بیکاری، نرخ تورم، میزان فقر و فساد و مسائل اجتماعی و فرهنگی از قبیل میزان گسترده‌گی جامعه مدنی و توسعه‌ی فناوری‌ها در بروز سیاسی شدن هویت‌ها و روند تکامل ناآرامی‌ها در کشور مصر تأثیرگذار بودند. این منابع بحران و تعارض هویتی در کنار فرایند ناقص ثبات سیاسی و رفتار رژیم‌های اقتدارگرای عرب منجر به سیاسی شدن هویت‌ها شده که بروز عینی آن را در بهار عربی می‌توان مشاهده کرد.

منابع فارسی

۱. ابوطالبی، ف. (۱۳۹۰). بررسی نقش جامعه مدنی در تحولات خاورمیانه. مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، ۲۸ تیر، در: <http://www.peace-ipsc.org/fa>
۲. اطاعت، ج.، و کریمی، ح. (۱۴۰۰). تحلیل ژئوپولیتیکی ناکامی اخوان المسلمین در مصر. فصلنامه ژئوپولیتیک، ۱۷(۶۲)، ۱۸۱-۱۴۹.
۳. امام‌جمعه‌زاده، ج.، و حشمتی، ا. (۱۳۹۳). دولت-ملت ناکام در مصر. فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۵(۳)، ۱۴۷-۱۱۹.
۴. اوتاری، م. (۱۳۸۶). گذار به دموکراسی یا شبه‌اقتدارگرایی. ترجمه سعید میرترابی، تهران: نشر قومس.
۵. آقازادی، م. (۱۳۹۲). بیم‌ها و امیدها در ارتش مصر. اندیشکده راهبردی تبیین، در: <http://tabyincenter.ir/index.php/menu-examples/child-items-5>
۶. حمیدی، ص. (۱۳۹۰). نقش شبکه‌های اجتماعی در انقلاب مصر. تهران: مرکز نشر جامعه المصطفی.
۷. خانزاده، ا. (۱۴۰۰). مصر ۸ سال پس از کودتا؛ دستاوردهای مثبت یا سیاست‌های بی‌رحمانه؟ ایرانا، ۱۴ تیر، در: <https://irna.ir/xjFmw6>
۸. خراسانی، ر.، و امانی، ز. (۱۴۰۰). ماهیت دولت پنهان در خاورمیانه: بررسی مقایسه‌ای دولت پنهان در ترکیه و مصر. فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۳(۲)، ۱۷۳-۱۴۷.
۹. زیبایی، م. (۱۳۹۷). نهاد دولت در خاورمیانه عربی پس از حوادث ۲۰۱۱. فصلنامه دولت پژوهی، ۴(۱۴)، ۳۷-۶۸.
۱۰. ساجدی، ا.، و رنجبر، ر. (۱۳۹۴). نقش و جایگاه نظامیان مصر در تحولات انقلاب ژوئیه ۲۰۱۱. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ۵(۱)، ۷۶-۵۲.
۱۱. شکیبایی، م. (۱۳۹۰). جریان‌شناسی احزاب مصری (۸): حزب الخضر المصری. قدسنا، ۱۹ اردیبهشت، در: <http://qodsna.com/fa/155625/print>
۱۲. شیخ‌الاسلامی، م. ح.، قهرمانی، م.، غریبی، م. (۱۳۹۸). ناکامی فرآیند دموکراسی در مصر بعد از انقلاب ۲۰۱۱، از منظر نظریه عجم اوغلو-راینسون. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۹(۳۲)، ۱۸۶-۱۶۱.
۱۳. عالیشاهی، ع. ر. و دیگران (۱۳۹۹). گذار به موج دوم انقلاب: تجزیه و تحلیلی بر عملکرد دولت اقتدارگرای عبدالفتاح السیسی در مصر پسامرسی. فصلنامه مطالعه سیاسی جهان اسلام، ۹(۳)،

۷۳-۹۶.

۱۴. فواد عبدالله، ث. (۱۳۸۱). فعالیت احزاب در مصر. ترجمه ماجد نجار. مطالعات خاورمیانه، ویژه‌نامه، ۵۶-۵۱.
۱۵. فیرحی، د. و عسکری صدر، ا. (۱۳۹۷). علل شکست اخوان المسلمین مصر پس از سرنگونی مبارک. علوم سیاسی، ۲۱(۸۲)، ۹۹-۱۲۶.
۱۶. مختاری، ع، اکوانی، ح، قاسمی، ج، ملکی فر، م. (۱۴۰۱). تاملی در شکنندگی و تداوم دولت در مصر از ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۰ میلادی. دوفصلنامه علمی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۱۰(۲۰)، ۱۱۱-۱۳۶.
۱۷. مطلبی، م. (۱۳۹۶). بازشناسی نقش و جایگاه ارتش در تحولات سیاسی-اجتماعی مصر؛ پیش و پس از سقوط دولت مرسی. دوفصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، ۵(۱۰)، ۱۲۶-۱۰۳.
۱۸. مقصودی، م. و حیدری، ش. (۱۳۹۰). بررسی وجوه تشابه و تفاوت جنبش‌های عربی در کشورهای خاورمیانه. فصلنامه رهنامه سیاستگذاری، ۲(۴)، ۴۱-۷۳.
۱۹. ملانکه، س.ح. و حسینی، س.م. (۲۰۱۶). علت اخوان از آغاز تا امروز، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی.
۲۰. ناصری، س. و اسدی، ا. (۱۳۹۱). واکاوی نقش طبقه متوسط جدید در جنبش اجتماعی مصر. فصلنامه روابط خارجی، ۴(۴)، ۲۳۴-۱۹۷.
۲۱. هراتی، م.ج. و ظفری، م. (۱۳۹۲). تفاوت نقش و جایگاه ارتش در فرآیند انقلاب اسلامی ایران و تحولات ۲۰۱۱ مصر، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۳(۸)، ۱۵۵-۱۳۹.
۲۲. هراتی، م.ج. و محمدی، ر. (۱۳۹۸). آزمون پذیری نظریه کرین بریتون در تحولات انقلابی تونس و مصر. نشریه علمی مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۶(۵۶)، ۱۳۰-۱۱۵.

English References

1. Ayubi, N.H. (1989). *Government and the state in Egypt today*, in Charles Tripp and Roger Owen (eds). *Egypt under Mubarak*, New York: Routledge.
2. Barden, H. (2011). Arab Society Power Transactions Locally and Multilaterally. In *Forum for Democratic Global Governance*, Stockholm.at: <http://mdgfund.org/node/5332>
3. Beinin, J. (2012). *The Rise of Egypt's Workers*. Carnegie Endowment for International Peace, June, at: https://carnegieendowment.org/files/egypt_labor.pdf
4. Ehteshami, A., Murphy, E. (1996). Transformatin of the Corporatist State in the Middle East, *Third World Quarterly*, 17(4), 753-772.
5. El-Hamidi, F., & Wahba, J. (2005). The effects of structural adjustment on youth unemployment in Egypt. 12th Annual Conference of the Economic Research Froum

- (ERF), at: <http://d-scholarship.pitt.edu/5760/>
6. Eltaweel, H. (2012). Civil Society in the Arab World: Case Study of the Muslim Brotherhood in Egypt. *Middle East Studies Center-The American University in Cairo*, December.
 7. Erikson, D. (2011). *Rational Choice Theory: Potential and Limits*, 11th edition, London: Palgrave Macmillan.
 8. Etling, B., Kelly, J., Faris, R., & Palfrey, J. (2010). Mapping the Arabic blogosphere: Politics and dissent online. *New media & Society*, 12(8), 1225-1243.
 9. Glassman, J.K., & Glickman, D. (2011). Strategic Public Diplomacy: The Case of Egypt. *National Security Project*, October.
 10. Goldstone, J.A. (2011). Understanding the Revolutions of 2011. *Foreign Affairs*, April 14, at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/2011-04-14/understanding-revolutions-2011>
 11. Hawthorne, A. (2004). Middle Eastern Democracy: Is Civil Society the Answer?. *Carnegie Endowment for International Peace*, March 1, at: <https://carnegieendowment.org/2004/03/01/middle-eastern-democracy-is-civil-society-answer-pub-1463>
 12. Hinnebusch Jr, R. A. (1988). *Egyptian politics under Sadat: The Post-Populist Development of an Authoritarian-modernizing State*. Cambridge: Cambridge University Press.
 13. <https://www.theglobaleconomy.com/Egypt/>, (2023).
 14. Kinnimont, J. (2012), Bread, Dignity and Social Justice: The Political Economy of Egypt's Transition, *Briefing Paper of Chatham House*, April, at: <https://opendata.uni-halle.de/bitstream/1981185920/109335/41/718566386.pdf>
 15. Korotayev, A., & Zinkina, J. (2011). Egyptian Revolution: A Demographic Structural Analysis. *Entelequia. Revista Interdisciplinar*, 13(2011), 139-169.
 16. Köse, T., Özcan, M., & Karakoç, E. (2016). A comparative analysis of soft power in the MENA region: The impact of ethnic, sectarian, and religious identity on soft power in Iraq and Egypt. *Foreign Policy Analysis*, 12(3), 354-373.
 17. Lord, K. M., & Sharp, T. (Eds.). (2011). America's Cyber Future: Security and Prosperity in the Information Age. *CNAS*, May 31, at: <https://www.cnas.org/publications/reports/americas-cyber-future-security-and-prosperity-in-the-information-age>
 18. Osman, T. (2011). *Egypt on the Brink from Nasser to Mubarak*, New Haven: Yale University Press.

19. *The Fund for Peace*. (2016). Fragile States Index. at: <http://fsi.fundforpeace.org/>

Translated References to English

1. Abu Talebi, F. (2011). Examining the role of civil society in Middle East developments. International Peace Studies Center, July 19, at: <http://www.peace-ipsc.org/fa> **(In Persian)**
2. Aghazadi, M. (2013). Fears and hopes in the Egyptian army. Tabayin Strategic Think Tank, at: <http://tabyincenter.ir/index.php.menu-examples/child-items-5> **(In Persian)**
3. Alishahi, A., Masoudnia, H., & Forouzan, Y. (2020). The Transition to the Second Wave of the Revolution; An Analysis of the Performance of the Authoritarian Government of Abdel Fattah al-Sisi in Post-Morsi Egypt. *Political Studies of Islamic World*, 9(3), 73-96. doi: 10.30479/psiw.2020.13790.2846 **(In Persian)**
4. Ayubi, N.H. (1989). *Government and the state in Egypt today*, in Charles Tripp and Roger Owen (eds). *Egypt under Mubarak*, New York: Routledge.
5. Barden, H. (2011). Arab Society Power Transactions Locally and Multilaterally. In *Forum for Democratic Global Governance*, Stockholm. at: <http://mdgfund.org/node/5332>
6. Beinini, J. (2012). *The Rise of Egypt's Workers*. Carnegie Endowment for International Peace, June, at: https://carnegieendowment.org/files/egypt_labor.pdf
7. Ehteshami, A., Murphy, E. (1996). Transformatin of the Corporatist State in the Middle East, *Third World Quarterly*, 17(4), 753-772.
8. El-Hamidi, F., & Wahba, J. (2005). The effects of structural adjustment on youth unemployment in Egypt. 12th Annual Conference of the Economic Research Froum (ERF), at: <http://d-scholarship.pitt.edu/5760/>
9. Eltaweel, H. (2012). Civil Society in the Arab World: Case Study of the Muslim Brotherhood in Egypt. *Middle East Studies Center-The American University in Cairo*, Decmber.
10. Erikson, D. (2011). *Rational Choice Theory: Potential and Limits*, 11th edition, London: Palgrave Macmillan.
11. Etaat, J., & Karimi, H. (2021). Geopolitical Analysis of the Muslim Brotherhood Failure in Egypt. *Geopolitics Quarterly*, 17(62), 149-181. **(In Persian)**
12. Etling, B., Kelly, J., Faris, R., & Palfrey, J. (2010). Mapping the Arabic blogosphere: Politics and dissent online. *New media & Society*, 12(8), 1225-1243.
13. Fawad Abdullah, S. (2022). Party activity in Egypt. Translated by Majid Najjar. *Middle East Studies*, Special Issue, 51-56. **(In Persian)**

14. Feirahi, D., & askari sadr, A. (2018). The Reasons of Ekhvan ol- Moslemin's Failure after the Downfall of Mubarak. *Political Science*, 21(Issue 82), 99-126. doi: 10.22081/psq.2018.66177 **(In Persian)**
15. Glassman, J.K., & Glickman, D. (2011). Strategic Public Diplomacy: The Case of Egypt. *National Security Project*, October.
16. Goldstone, J.A. (2011). Understanding the Revolutions of 2011. *Foreign Affairs*, April 14, at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/2011-04-14/understanding-revolutions-2011>
17. Hamidi, P. (2011). *The role of social networks in the Egyptian revolution*. Tehran: Al-Mustafa Society Publishing Center. **(In Persian)**
18. Hawthorne, A. (2004). Middle Eastern Democracy: Is Civil Society the Answer?. *Carnegie Endowment for International Peace*, March 1, at: <https://carnegieendowment.org/2004/03/01/middle-eastern-democracy-is-civil-society-answer-pub-1463>
19. Herati, M.J., & Zafari, M. (2013). The difference between the role and position of the army in the process of the Islamic Revolution of Iran and the developments of 2011 in Egypt, *Research Journal of the Islamic Revolution*, 3(8), 139-155. **(In Persian)**
20. Herati, M.J., and Mohammadi, R. (2019). Testability of Crane Brinton's theory in the revolutionary developments of Tunisia and Egypt. *Islamic Revolution Studies*, 16(56), 115-130. **(In Persian)**
21. Hinnebusch Jr, R. A. (1988). *Egyptian politics under Sadat: The Post-Populist Development of an Authoritarian-modernizing State*. Cambridge: Cambridge University Press.
22. <https://www.theglobaleconomy.com/Egypt/>, (2023).
23. Imam Jomehzadeh, S. J., & Heshmati, A. (2015). Nation - State Failed in Egypt. *Political and International Approaches*, 5(3), 119-147. **(In Persian)**
24. Khanzade, A. (2021). Egypt 8 years after the coup; Positive achievements or ruthless policies?. *IRNA*, July 5, at: <https://irna.ir/xjFmw6> **(In Persian)**
25. Khorasani, R., & Amani, Z. (2022). The Quiddity of Deep State in Middle East; Case Study: Deep State in Turkey and Egypt. *Political and International Approaches*, 13(2), 147-173. doi: 10.29252/piaj.2022.226025.1207 **(In Persian)**
26. Kinnimont, J. (2012), Bread, Dignity and Social Justice: The Political Economy of Egypt's Transition, *Briefing Paper of Chatham House*, April, at: <https://opendata.uni-halle.de/bitstream/1981185920/109335/41/718566386.pdf>
27. Korotayev, A., & Zinkina, J. (2011). Egyptian Revolution: A Demographic Structural

- Analysis. *Entelequia. Revista Interdisciplinar*, 13(2011), 139-169.
28. Köse, T., Özcan, M., & Karakoç, E. (2016). A comparative analysis of soft power in the MENA region: The impact of ethnic, sectarian, and religious identity on soft power in Iraq and Egypt. *Foreign Policy Analysis*, 12(3), 354-373.
29. Lord, K. M., & Sharp, T. (Eds.). (2011). America's Cyber Future: Security and Prosperity in the Information Age. *CNAS*, May 31, at: <https://www.cnas.org/publications/reports/americas-cyber-future-security-and-prosperity-in-the-information-age>
30. Makhsoudi, M. and Heydari, Sh. (2011). Examining the similarities and differences of the Arab movements in the Middle East countries. *Policy Guidance*, 2(4), 41-73. **(In Persian)**
31. Malaekheh, S.H., & Hosseini, S.M. (2016). The Cause of Brotherhood from the Beginning to Today, Translated by Sayyed Hadi Khosroshahi, Tehran: Center for Diplomacy Documentation and History. **(In Persian)**
32. Mokhtari, A., Akvani, H., Ghasemi, J., & Malekifar, M. (2022). A Contemplation on the Fragility and Continuity of Government in Egypt from 1980 to 2020. *Journal of Political Sociology of Islamic World*, 10(20), 111-136. doi: 10.22070/iws.2022.15233.2132 **(In Persian)**
33. Motallebi, M. (2017). Recognizing the Role and Status of Military in the Political and Social Developments in Egypt, before and after the Fall of Morsi's Government. *Journal of Political Sociology of Islamic World*, 5(10), 103-126. doi: 10.22070/iws.2018.1892.1349 **(In Persian)**
34. Naseri, S., and Asadi, A. (2013). Analyzing the role of the new middle class in the Egyptian social movement. *Foreign Relations*, 4(4), 197-234. **(In Persian)**
35. Osman, T. (2011). *Egypt on the Brink from Naser to Mubarak*, New Haven: Yale University Press.
36. Otari, M. (2007). Transition to democracy or quasi-authoritarianism. Translated by Saeed Mirtrabi, Tehran: Qoms Publishing. **(In Persian)**
37. *Quarterly Journal of Political Research in Islamic World*, 5(1), 52-76. **(In Persian)**
38. Sajedi A., & Ranjbar R. (2015). The Egyptian Military's Role and Position in the July 2011 Revolution Developments. **(In Persian)**
39. Shakibaei, M. (2011). Streamology of Egyptian Parties (8): Hizb Al-Khadir Al-Mesri. *Qodsna*, April 22, at: <http://qodsna.com/fa/155625/print> **(In Persian)**

40. Sheykhoh Eslami, M. H., Ghahramani, M., & Gharibi, M. (2019). The failure of the democratic process in Egypt after the 2011 revolution, from the point of view of Ajamoglu-Robinson theory. *International Relations Researches*, 9(2), 161-186. doi: 10.22034/irr.2019.101053 **(In Persian)**
41. *The Fund for Peace*. (2016). Fragile States Index. at: <http://fsi.fundforpeace.org/>
42. Zibaei, M. (2018). The Sffects of 2011 Uprisings over the State in the Arab Middle East. *State Studies*, 4(14), 37-68. doi: 10.22054/tssq.2018.9074 **(In Persian)**

